

تاریخچه زمان

از انفجار بزرگ تا سیاهچاله ها

نوشته: استیون هاوکینگ

STEPHEN W. HAWKING

ترجمه: محمدرضا محبوب

.....	۱۶۶
.....	۵۶۶

.....

.....	۲۱۶
.....	۲۱۶
.....	۱۵۲

فهرست مطالب

هفت	پیشگفتار چاپ هشتم
۱	تاریخچه کتاب تاریخچه زمان
۷	مقدمه مترجم
۱۱	سیاسگزاری
۱۵	۱. تصویر ما از جهان
۳۱	۲. مکان و زمان
۵۵	۳. جهان گسترش یابنده
۷۷	۴. اصل عدم قطعیت
۸۷	۵. اجزاء بنیادین و نیروهای طبیعت
۱۰۹	۶. سیاهچاله ها
۱۳۱	۷. حفره های سیاه آنقدرها هم سیاه نیستند
۱۴۹	۸. سرچشمه و سرنوشت جهان
۱۸۱	۹. پیکان زمان
۱۹۳	۱۰. وحدت فیزیک
۲۱۱	۱۱. سخن آخر
۲۱۷	آلبرت اینشتین

شش

تاریخچه زمان

- ۲۲۱ گالیلئو گالیله
- ۲۲۵ اسحاق نیوتن

- افزودگی**
- ۲۲۹ دیدگاه مردمان نسبت به علم
- ۲۳۳ استیون هاوکینگ، انفجار بزرگ و خداوند
- ۲۵۱ واژه نامه

QR 1214 / 2571
 11240 - 11245

تلفه تاریخچه زمان

- ۱ تاریخچه زمان
- ۷ تاریخچه زمان
- ۱۱ تاریخچه زمان
- ۵۱ تاریخچه زمان
- ۶۶ تاریخچه زمان
- ۵۵ تاریخچه زمان
- ۷۷ تاریخچه زمان
- ۷۸ تاریخچه زمان
- ۶۰۱ تاریخچه زمان
- ۶۲۱ تاریخچه زمان
- ۶۲۱ تاریخچه زمان
- ۱۵۱ تاریخچه زمان
- ۶۲۱ تاریخچه زمان
- ۱۱۶ تاریخچه زمان
- ۱۱۶ تاریخچه زمان

تاریخچه کتاب «تاریخچه زمان»^۱

همچنان از استقبالی که از کتاب «تاریخچه زمان» من شد، شگفت زده‌ام. این کتاب برای سی و هفت هفته در لیست پرفروشترین‌های نیویورک تایمز و برای بیست و هشت هفته در لیست پرفروشترین‌های ساندی تایمز قرار داشته و به بیست و یک زبان دنیا ترجمه شده است.^۲ این استقبال بسیار بیش از آن بود که من در سال ۱۹۸۲ هنگام پروراندن ایده نوشتن کتاب مردم پسندی درباره جهان انتظار داشتم.^۳ هدف من تا اندازه‌ای کسب درآمد برای پرداخت شهریه دبستان دخترم بود (درواقع هنگامی که کتاب چاپ شد دخترم

۱- این مقاله نخست در دسامبر ۱۹۸۸ در روزنامه ایندی‌پندنت منتشر شد و در سال ۱۹۹۳ در کتاب "سیاهچاله‌ها و جهانچه‌ها و مقالات دیگر" نوشته استیون هاوکینگ به چاپ رسید.

۲- این کتاب تا سال ۱۹۹۳ به ۳۳ زبان دنیا ترجمه و چاپ شده است.

۳- کتاب تاریخچه زمان برای پنجاه و سه هفته در لیست پرفروشترین کتابهای روزنامه نیویورک تایمز و در انگلستان نیز برای دویست و پنج هفته در لیست پرفروشترین‌های روزنامه ساندی تایمز باقی ماند. در هفته ۱۸۴، نام این کتاب به دلیل طولانی‌ترین حضور در لیست پرفروشترین‌های ساندی تایمز، در کتاب رکوردهای گینس (Guinness Book of Records) ثبت گردید.

سال آخر دبستان بود) اما هدف اصلی آن بود که می‌خواستم راه طی شده در راستای فهم جهان را نشان دهم، تا دست‌یابی به یک نظریه کامل که جهان و هر آنچه در آن است را توصیف کند، چه فاصله‌ای می‌تواند وجود داشته باشد.

اگر قرار بود وقت و نیرو بگذارم تا کتابی بنویسم، می‌خواستم شمار هر چه بیشتری از مردمان آن را بخوانند. کتابهای فنی من که تا آن زمان نگاشته بودم توسط دانشگاه کمبریج چاپ شده بود. این ناشر کارش را خوب انجام می‌داد اما احساس می‌کردم که از طریق او به بازار بزرگ و گسترده‌ای که می‌خواستم، نخواهم رسید. از این رو با یک ناشر آثار ادبی به نام ال زوکرمان (Al Zuckerman) که داماد یکی از همکارانم بود تماس گرفتم. پیش نویس فصل اول را به او دادم و به او گفتم که می‌خواهم کتابی از آن دست که در کتابفروشی‌های فرودگاه‌ها به فروش می‌رسد بنویسم. او امکان آن را بعید دانست. به نظر او این کتاب می‌توانست نظر آکادمیسین‌ها و دانشجویان را جلب نماید اما قادر نبود به قلمرو جفری آرکر (Jeffrey Archer) وارد شود.

نخستین پیش نویس کتاب را در سال ۱۹۸۴ به زوکرمان دادم و او آن را برای چندین ناشر فرستاد و توصیه کرد که پیشنهاد یک ناشر آمریکایی به نام نورتن (Norton) را بپذیرم. اما من تصمیم گرفتم پیشنهاد ناشری به نام بنتام (Bantam) را که جهت‌گیریش بیشتر به سوی نشریات عامه‌پسند بود، بپذیرم. اگر چه بنتام تخصصی در زمینه کتابهای علمی نداشت، کتابهایش به طور گسترده‌ای در کتابفروشی‌های فرودگاه‌ها پیدا می‌شد. اینکه بنتام کتاب مرا پذیرفت شاید به خاطر علاقه یکی از ویراستاران آن به نام پیتر گوزاردی (Peter Guzzardi) بود. او این کار را بسیار جدی گرفت و مرا واداشت تا کتاب را از نو بازنویسی کنم و آن را برای غیر متخصصینی چون خودش قابل فهم سازم. هر بار که یک فصل بازنویسی شده را برایش می‌فرستادم، او لیست بزرگی از اشکالات و سؤالات را برایم پس می‌فرستاد و از من می‌خواست تا آنها را روشن سازم. گاه می‌انديشیدم که این کشاکش هرگز پایان نخواهد یافت، اما حق با او بود: کتاب بسیار بهتری از آب در آمد.

به زودی پس از پذیرش پیشنهاد بنتام، ذات‌الریه گرفتم و می‌بایست عملی روی حنجره‌ام انجام می‌گرفت. بعد از عمل صدایم را از دست دادم. چند صبحی تنها از طریق